

حالت در زبانها و گویشهای ایرانی

دکتر ایران کلباسی*

مقدمه

یکی از ویژگیهای زبانهای ایرانی باستان این بوده است که اسم یا ضمیر علاوه بر تغییراتی که برای جنس مذکر، مؤنث، خنثی و شمار مفرد، تثنیه و جمع می‌کرده، دارای ۸ حالت نیز بوده است. امروزه در اغلب گویشهای ایرانی تمایز جنس مذکر، مؤنث و خنثی از بین رفته است. تثنیه نشانه خاصی ندارد و حالات هشتگانه در آنها دیده نمی‌شود، ولی هنوز گویشهایی را می‌توان یافت که بعضی از این ویژگیها را در خود حفظ کرده‌اند.

حالات هشتگانه فوق در زبانها و گویشهای امروز ایرانی یا به صورت کاربرد حروف اضافه در آمده‌اند و یا به دو حالت بی‌نشان، صریح یا فاعلی (direct) و نشاندار، غیر صریح یا غیر فاعلی (oblique) تقلیل یافته‌اند. این دو حالت در بعضی از گویشها با مقوله جنس و شمار در هم آمیخته و تأییراتی از آنها می‌گیرند.

در این مقاله ابتدا حالات هشتگانه اسم را در فارسی باستان نشان می‌دهیم، سپس فارسی میانه و گویشهای سمنانی، تالشی اسالم، کردی مهاباد، املشی و کلاردشتی و نیز فارسی معیار امروز را از نظر حالت مورد بررسی قرار می‌دهیم.

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

۱ فارسی باستان

همان طور که قبلاً گفته شد مقوله حالت در فارسی باستان ۸ گونه بوده است که بعضی از این گونه‌ها صورتهای یکسان داشته‌اند. در زیر کلمه مفرد *martiya* (مرد) را در این ۸ حالت به نقل از خانلری (۱۳۵۰، ص ۲۳۰) می‌آوریم:

- یک - حالت فاعلی (nominative) مانند *martiya*
 دو - حالت مفعولی (accusative) مانند *martiyam*
 سه - حالت بائی (instrumental) مانند *martiyâ*
 چهار - حالت به‌ای و برائی (dative) مانند *martiyahyâ*
 پنج - حالت ازی (ablative) مانند *martiyâ*
 شش - حالت دری (locative) مانند *martiyay*
 هفت - حالت اضافی (genitive) مانند *martiyahyâ*
 هشت - حالت ندائی (vocative) مانند *martiyâ*

۲ فارسی میانه

حالات هشتگانه فارسی باستان در فارسی میانه به صورت دو حالت صریح و غیرصریح در آمده‌اند. حالت صریح وقتی به کار می‌رفته است که اسم یا ضمیر از نظر دستوری در نقش فاعل یا نهاد بودند و در نقشهای دیگر از حالت غیرصریح استفاده می‌شده است. ضمناً مقوله شمار تغییراتی در مقوله حالت می‌داده است.

در متون مانوی تمایز دو حالت صریح و غیرصریح در نامهای اعضای خانواده نیز وجود داشته است. مثلاً کلمه «پدر» در حالت صریح *pid* و در حالت غیرصریح *pidar* بوده است (آموزگار و تفضلی ۱۳۷۳: ۵۷). در متون پهلوی زردشتی کتابی نیز حالت صریح را در ضمیر اول شخص مفرد *az/an* «من» و حالت غیرصریح را در کلمه *man* می‌یابیم (همان منبع). از طرفی ضمیر پیوسته *-m, -t, -š, -mân, -tân, -šân* همیشه در حالت غیرصریح به کار می‌رفته‌اند (همان منبع، ص ۵۸).

نمودار حالت در فارسی میانه به صورت زیر است:

	مفرد	جمع
صریح	- ϕ	- ϕ
غیرصریح	- \bar{e}	- $\hat{a}n$

مثال (همان منبع، ص ۵۶):

merd/mard- ϕ	مرد، مردان (صریح)
merd/mard- \bar{e}	مرد (غیرصریح)
mard- $\hat{a}n$	مردان (غیرصریح)

۳ گویش سمنانی

سمنانی بسیاری از ویژگیهای زبانهای ایرانی باستان را در خود حفظ کرده است. این گویش مقوله حالت را همراه با جنس و شمار تغییر می‌دهد و آن را برای اسم و ضمیر هر دو به کار می‌برد.

۱-۳ حالت در اسم

حالت اسم در این گویش طبق نمودار زیر است:

	مفرد مؤنث	جمع مؤنث	جمع مذکر	مفرد مؤنث	مفرد مذکر
صریح	ϕ	ϕ	ϕ	ϕ	ϕ
غیرصریح	-i	-in	-i	-i	-i

مثال:

اسم مفرد مؤنث	اسم مفرد مذکر
mâdiyun-a- ϕ	اسب (فاعلی) asb- ϕ
mâdiyun-in	اسب را (مفعولی) asb-i
mâdiyun-in-a	برای اسب، به اسب asb-i ra
mâdiyun-in pi	از اسب asb-i pi
bâ mâdiyun-in	با اسب bâ asb-i
mâdiyun-in dela	در اسب asb-i dela
mâdiyun-in kiya	خانه اسب asb-i kiya
dim-i mâdiyun-in	روی اسب dim-i asb-i
mâdiyun- ϕ	اسب (منادا) asb- ϕ

<u>اسم جمع مؤنث</u>		<u>اسم جمع مذکر</u>	
مادیانها (فاعلی)	mâdiyun-i	اسبها (فاعلی)	asb-i
مادیانها را (مفعولی)	mâdiyun-un	اسبها را (مفعولی)	asb-un
برای مادیانها، به مادیانها	mâdiyun-un-a	برای اسبها، به اسبها	asb-un-a
از مادیانها	mâdiyun-un pi	از اسبها	asb-un pi
با مادیانها	bâ mâdiyun-un	با اسبها	bâ asb-un
در مادیانها	mâdiyun-un dela	در اسبها	asb-un dela
خانهٔ مادیانها	mâdiyun-un kiya	خانهٔ اسبها	asb-un kiya
روی مادیانها	dim-i mâdiyun-un	روی اسبها	dim-i asb-un
مادیانها (منادا)	mâdiyun-i	اسبها (منادا)	asb-i

چند جمله:

اسب آمد.	<u>asb-φ</u> biyemâ <u>-φ.</u>	فاعل، مفرد، مذکر، صریح	شناسه، مفرد، مذکر
مادیان آمد.	<u>madiyun-a</u> biyemi <u>-ya.</u>	فاعل، مفرد، مؤنث، صریح	شناسه، مفرد، مؤنث
اسبها آمدند.	<u>asb-i</u> biyemen.	فاعل، جمع، مذکر، صریح	
مادیانها آمدند.	<u>mâdiyun-i</u> biyemen.	فاعل، جمع، مؤنث، صریح	
اسب جو را خورد.	<u>asb-i</u> ja boxord.	عامل، مفرد، مذکر، غیرصریح	
مادیان جو را خورد.	<u>mâdiyun-in</u> ja boxord.	عامل، مفرد، مؤنث، غیرصریح	
اسبها جو را خوردند.	<u>asb-un</u> ja boxord.	عامل، جمع، مذکر، غیرصریح	
مادیانها جو را خوردند.	<u>mâdiyun-un</u> ja boxord.	عامل، جمع، مؤنث، غیرصریح	

hušeng- ϕ meriže.

فاعل، مفرد، مذکر، صریح

هوشنگ می‌ریزد.

hušeng-i čiči bāt?

عامل، مفرد، مذکر، غیرصریح

هوشنگ چه گفت؟

۲-۳ حالت در ضمیر

در این گویش ضمائر شخصی آزاد در ارتباط با حالت صورتهای متفاوتی دارند:

فاعلی		مفعولی و ملکی	
a	من	mö	مرا، مال من
tö	تو	ta	تو را، مال تو
u	او (مذکر)	žö	او را، مال او (مذکر)
un-a	او (مؤنث)	ž-in	او را، مال او (مؤنث)
hamâ	ما	hamâ	ما را، مال ما
šemâ	شما	šemâ	شما را، مال شما
un-i/u-yi	آنها	ž-un	آنها را، مال آنها

مفعول حرف اضافه‌ای

mö-ra	برای من، به من
ta-ra	برای تو، به تو
žö-ra	برای او، به او (مذکر)
ž-in-a	برای او، به او (مؤنث)
hamâ-ra	برای ما، به ما
šemâ-ra	برای شما، به شما
ž-un-a	برای آنها، به آنها

ضمناً ضمائر شخصی پیوسته در ساخت ارگتیو (همراه با افعال متعدی در زمان گذشته) همیشه

در حالت غیرصریح اند:

bāt-an	گفتم
bāt-a	گفتی
bāt-eš	گفت

bât-mon	گفتیم
bât-ton	گفتید
bât-šon	گفتند

چند جمله:

u meriže.

فاعل، مفرد، مذکر، صریح

او (مذکر) می‌ریزد.

un - a meriže.

فاعل، مفرد، مؤنث، صریح

او (مؤنث) می‌ریزد.

žö boxord.

عامل، مفرد، مذکر، غیرصریح

او (مذکر) خورد.

ž-in boxord.

عامل، مفرد، مؤنث، غیرصریح

او (مؤنث) خورد.

tö meše.

فاعل، مفرد، صریح

تو می‌روی.

ta bediči.

عامل، مفرد، غیرصریح

تو دیده‌ای.

bât -eš.

عامل، مفرد، غیرصریح

گفت.

۴ گویش تالشی آسالم

گویش تالشی مانند گویش سمنانی یکی از گویشهایی است که بسیاری از ویژگیهای زبانهای ایرانی باستان را در خود حفظ کرده است. در این گویش برخلاف سمنانی جنس وجود ندارد، ولی شمار بر مقوله حالت تأثیر می‌گذارد. اسم و ضمیر هر دو در این گویش دارای حالت‌اند.

۱-۴ حالت در اسم

نمودار زیر حالت اسم را در این گویش نشان می‌دهد:

	مفرد	جمع
صریح	-φ	-e
غیرصریح	-i	-un

حالت صریح در موارد زیر به کار می‌رود:

الف) فاعل در ساخت غیر ارگتیو

xerdan-φ virita.
فاعل، مفرد، صریح

بچه دوید.

xerdan-e viritin.
فاعل، جمع، صریح

بچه‌ها دویدند.

xerdan-i sar-φ kâra dâj duwe.
فاعل، مفرد، صریح

سر بچه دارد درد می‌کند.

čam-e vičīnistin.
فاعل، جمع، صریح

چشمها بسته شدند.

ب) مسندالیه همراه با فعل ربطی

sər-a esba-φ zard-a šaqâl-i bərâ-φ-?a.
مسندالیه، مفرد، صریح

سگ سرخ برادر شغال زرد است.

ج) اسم در حالت منادا

ey zamin-φ gav-i âka.
منادا، مفرد، صریح

ای زمین دهان را باز کن.

د) بعضی از قیود مکان

hasan-i na šim bâzâr-φ.
قید مکان، مفرد، صریح

با حسن رفتم بازار.

ه) مفعول در ساخت ارگتیو

varg-i pas-e hardin.
مفعول، جمع، صریح

گرگ میشها را خورد.

mæn əštān xərâk-φ harda ba.
مفعول، مفرد، صریح

من غذای خود را خورده بودم.

mæn a gaf-e mastan.
مفعول، جمع، صریح

من آن صحبتها را شنیده‌ام.

(و) مفعول بی‌نشان در ساخت غیر ارگتیو

pas-i vâš-φ beda.

مفعول، مفرد، صریح

میش را علف بده.

حالت غیرصریح در موارد زیر به کار می‌رود:

(الف) عامل در ساخت ارگتیو

varg-i gâ-φ harda.

عامل، مفرد، غیرصریح

گرگ گاو را خورد.

gâw-un bošqâb-e čâknəstin.

عامل، جمع، غیرصریح

گاوها بشقابها را شکستند.

(ب) مفعول در ساخت غیر ارگتیو

xerdan-un mavâj.

مفعول، جمع، غیرصریح

به بچه‌ها نگو (= بچه‌ها را نگو).

varg-e pas-un -eš na:run.

مفعول، جمع، غیرصریح

گرگها میشها را نخورند.

əm vâš-i pege.

مفعول، مفرد، غیرصریح

این علف را بکن.

(ج) مفعول حرف اضافه

šâ-φ dəzd-i xelat-φ duwa.

مفعول، مفرد، غیرصریح

شاه به دزد خلعت داد.

šâ-φ əm partâl-φ bašesta ba əštan vazir-i.

مفعول، مفرد، غیرصریح

شاه این لباس را بخشید به وزیر خود.

âxerat-i râ i kâr-i bəkaru.

مفعول، مفرد، غیرصریح

برای آخرت یک کاری بکنند.

(د) قید حرف اضافه

bi čəmən maš.

قید، مفرد، غیرصریح

بدون من مرو.

ispi-ya asb-i na âma.

قید، مفرد، غیرصریح

با اسب سفید آمد.

očokon divâr-i kâ -?a.

قید مفرد، غیرصریح

چوب روی دیوار است.

danâma jîf-i kâ.

قید، مفرد، غیرصریح

گذاشتم در جیب.

siyâ-φ xâk-i bân-i kâ -?a.

قید، مفرد، غیرصریح

در ته خاک سیاه است.

vayu-φ râ viritin.

قید، مفرد، غیرصریح

برای عروس دویدند.

ka-φ kâ -?a.

قید، مفرد، غیرصریح

دژ اطاق است.

چنانکه در مثالهای اخیر مشاهده می‌شود، *-i* (نشانهٔ مفرد غیرصریح) پس از واکه تبدیل به

-φ می‌شود.

ه) ترکیبات اضافی

čîn-i šâ

مضاف‌الیه، مفرد، غیرصریح

شاه‌چین

xerdan-un partâl

مضاف‌الیه، جمع، غیرصریح

لباس بچه‌ها

xadâ-φ kâr

مضاف‌الیه، مفرد، غیرصریح

کار خدا

و) ترکیبات توصیفی

čuw-a asb

صفت، مفرد، غیرصریح

اسب چوبی

mäs-a pâtil

صفت، مفرد، غیرصریح

ظرف مسی

<u>vara-φ</u> pašma	پشم بره
صفت، مفرد، غیرصریح	
<u>sif-a</u> dâr	درخت سیب
صفت، مفرد، غیرصریح	
<u>sər-a</u> asb	اسب سرخ
صفت، مفرد، غیرصریح	
<u>šâ-φ</u> <u>čâk-a</u> zuwa	پسر خوب شاه
صفت، مفرد، غیرصریح	
<u>xas-a baxt-a</u> ruĵ	روز خوشبختی (= روز بخت خوب)
صفت، مفرد، غیرصریح	

چنانکه در مثالهای اخیر مشاهده می‌شود i- (نشانه مفرد، غیرصریح) پس از صفت به a- تبدیل می‌شود.

۲-۴ حالت در ضمیر

در این گویش ضمائر شخصی آزاد در حالت‌های مختلف صورتهای متفاوتی دارند:

فاعلی		مفعولی	
az	من	mən	مرا، به من
tə	تو	tə	تو را، به تو
a	او	a(-yi)	او را، به او
ama	ما	ama	ما را، به ما
šəma	شما	šəma	شما را، به شما
a-ye	آنها	aw-un	آنها را، به آنها

ملکی، مفعول حرف اضافه

čəmən	مال من
əštə	مال تو
ča(-yi)	مال او
čama	مال ما
šəma	مال شما
čaw-un	مال آنها

ضمناً ضمایر شخصی پیوسته در ساخت ارگتیو همیشه در حالت غیرصریح اند:

pata -m ba
 عامل، مفرد، غیرصریح

پخته بودم

۵ گویش کردی مهاباد

کردی مهاباد کردی معیار در ایران است. در این گویش جنس وجود دارد و در مقولهٔ حالت تأثیر می‌کند. حالت برای اسم و ضمیر هر دو وجود دارد.

۱-۵ حالت در اسم

نمودار زیر حالت اسم را در این گویش نشان می‌دهد:

	<u>مذکر</u>	<u>مؤنث</u>
صریح	-ϕ	-ϕ
غیرصریح	$\left\{ \begin{array}{l} \bar{i}/-y \\ -a \text{ (ندا)} \end{array} \right.$	$\left\{ \begin{array}{l} \bar{e} \\ \bar{e}/-a \text{ (ندا)} \end{array} \right.$

حالت صریح در موارد زیر به کار می‌رود:

الف) فاعل در ساخت غیر ارگتیو و در ساخت ارگتیو وقتی عامل با فاعل متفاوت است.

aw kuṛaka-ϕ ba min daḷē.
 فاعل، مفرد، مذکر، صریح آن پسر به من می‌گوید.

aw kičaka-ϕ ba min- i kut.
 فاعل، مفرد، مؤنث، صریح عامل آن دختر به من گفت.

aw kuṛaka-ϕ -m dī.
 مفعول، مفرد، مذکر، صریح ب) مفعول در ساخت ارگتیو آن پسر را دیدم.

aw kičaka-ϕ -m dī.
 مفعول، مفرد، مؤنث، صریح آن دختر را دیدم.

حالت غیرصریح در موارد زیر به کار می‌رود:

الف) مفعول نشان‌دار و بی‌نشان در ساخت غیر ارگتیو

kitēbaka-y dahēnim.
 مفعول، مفرد، مذکر، غیرصریح کتاب را می‌آورم.

kâr-ē dakam. کار می‌کنم.
مفعول، مفرد، مؤنث، غیرصریح

âš-ī daxom. آش می‌خورم.
مفعول، مفرد، مذکر، غیرصریح

(ب) مفعول حرف اضافه‌ای

bō pyâw-ī dahēnim. برای مرد می‌آورم.
مفعول، مفرد، مذکر، غیرصریح

bō žin-ē dahēnim. برای زن می‌آورم.
مفعول، مفرد، مؤنث، غیرصریح

(ج) قید مکان

čum-a mâl-ē. رفتم خانه.
قید مکان، مفرد، مؤنث، غیرصریح

(د) قید زمان

sâ?at hašt-ī dēm. ساعت هشت می‌آیم.
قید زمان، مفرد، مذکر، غیرصریح

amin sibḥaynaka-y kitēbaka-y bō kičaka-y bō mâl-ē dahēnim.
قید زمان، مفرد، مذکر، غیرصریح

من فردا کتاب را برای دختر به خانه می‌آورم.

(ه) ترکیبات اضافی

kitēb-ī pyâw-ī کتاب مرد
مضاف‌الیه، مفرد، مذکر، غیرصریح

kitēb-ī žin-ē کتاب زن
مضاف‌الیه، مفرد، مؤنث، غیرصریح

(و) ترکیبات توصیفی

birâ-y gawra برادر بزرگ
موصوف، مفرد، غیرصریح

žin-ī gawra زن بزرگ
موصوف، مفرد، غیرصریح

bâb-a	منادا، مفرد، مذکر، غیرصریح	(ن) اسم منادا
kič-ē	منادا، مفرد، مؤنث، غیرصریح	ای پدر
xudâ-ya	منادا، مفرد، مذکر، غیرصریح	ای دختر
žinîn-a	منادا، جمع، مؤنث، غیرصریح	ای خدا
kuṙîn-a	منادا، جمع، مذکر، غیرصریح	ای زنان
		ای پسران

۲-۵ حالت در ضمیر

ضمایر شخصی آزاد در این گویش در حالات مختلف صورتهای متفاوت دارند:

فاعلی		مفعولی	
amin	من	amin-ī	مرا
atō	تو	atō-y	تو را
aw	او	aw-ī	او را
ama	ما	ama-y	ما را
angō	شما	angō-y	شما را
aw-ân	آنها	aw-ân-ī	آنها را

مفعول حرف اضافه			ملکی		
bō	min-ī	برای من	mâl-ī	min	مال من
bō	tō-y	برای تو	mâl-ī	tō	مال تو
bō	w-ī	برای او	mâl-ī	aw	مال او
bō	ma-y	برای ما	mâl-ī	ma	مال ما
bō	ngō-y	برای شما	mâl-ī	ngō	مال شما
bō	wân-ī	برای آنها	mâl-ī	wân	مال آنها

ضمایر شخصی پیوسته نیز در ساخت ارگتیو همیشه در حالت غیرصریح اند:

hal -tân dahēnâ.

عامل، جمع، غیرصریح

پلند کردید.

۶ گویش املشی

املشی که یکی از گونه‌های گویش گیلکی است حالت را به صورت ساده برای اسم و ضمیر هر دو به کار می‌برد.

۶-۱ حالت در اسم

نمودار حالت اسم در این گویش به صورت زیر است:

مفرد و جمع

صریح

-ϕ

غیرصریح

-ə/rə

حالت صریح در مورد زیر به کار می‌رود:

mi xâxur-ϕ buma.

فاعل، مفرد، صریح

الف) فاعل جمله

خواهر من آمد.

حالت غیرصریح در موارد زیر به کار می‌رود:

الف) مفعول حرف اضافه‌ای و غیر حرف اضافه‌ای

mi mâr-ə bo (gu) təm.

مفعول، مفرد، غیرصریح

به مادرم گفتم.

mi xâxur-ə bədem.

مفعول، مفرد، غیرصریح

خواهرم را دیدم.

ب) قید حرف اضافه‌ای

difâr-ə ji

قید، مفرد، غیرصریح

از دیوار

habs-ə miyan

قید، مفرد، غیرصریح

در حبس

ج) ترکیبات اضافی

piyar-ə dəs
مضاف‌الیه، مفرد، غیرصریح

دست پدر

mərd-ə xona
مضاف‌الیه، مفرد، غیرصریح

خانهٔ مرد

د) ترکیبات توصیفی

qəšəng-ə lâku
صفت، مفرد، غیرصریح

دختر قشنگ

surx-ə sib
صفت، مفرد، غیرصریح

سیب سرخ

۲-۶ حالت در ضمیر

ضمایر شخصی آزاد در این گویش در حالات مختلف صورتهای متفاوتی دارند:

فاعلی		مفعولی	
mu	من	mə-r	مرا، به من
tu	تو	tə-r	تورا، به تو
un	او	un-ə	اورا، به او
âmu	ما	amə-r	مارا، به ما
šomu	شما	šəmə-r	شمارا، به شما
u-šon	آنها	u-šon-ə	آنها را، به آنها

مفعولی ازى			ملکی و مفعول حرف اضافه‌ای	
mə-rə	ji	از من	mi	مال من
tə-rə	ji	از تو	ti	مال تو
un-ə	ji	از او	un-ə	مال او
amə-rə	ji	از ما	ami	مال ما
šəmə-rə	ji	از شما	šəmi	مال شما
u-šon-ə	ji	از آنها	u-šon-ə	مال آنها

۷ گویش کلاردشتی

کلاردشتی یکی از گونه‌های گویش مازندرانی است. این گویش نیز حالت را به صورت ساده هم برای اسم و هم برای ضمیر به کار می‌برد.

۱-۷ حالت در اسم

نمودار حالت اسم در این گویش به صورت زیر است:

مفرد و جمع	
صریح	- ϕ
غیرصریح	-e/re

حالت صریح در مورد زیر به کار می‌رود:

الف) فاعل جمله

me kijâ- ϕ bimâ- ϕ .
فاعل، مفرد، صریح

دختر من آمد.

حالت غیرصریح در موارد زیر به کار می‌رود:

الف) مفعول حرف اضافه‌ای و غیر حرف اضافه‌ای

šivâ-re porseme.
مفعول، مفرد، غیرصریح

از شیوا می‌پرسم.

gattar-e berâr-e badiyame.
مفعول، مفرد، غیرصریح

برادر بزرگتر را دیدم.

ب) قید حرف اضافه‌ای

divâr-e sardari
قید، مفرد، غیرصریح

از دیوار

daryâ-ye dele
قید، مفرد، غیرصریح

در دریا

ج) ترکیبات اضافی

xone-ye mardî
مضاف‌الیه، مفرد، غیرصریح

مرد خانه

piyar-e das
مضاف‌الیه، مفرد، غیرصریح

دست پدر

(د) ترکیبات توصیفی

gat-e xone
صفت، مفرد، غیرصریح

خانه بزرگ

qašang-e kijâ
صفت، مفرد، غیرصریح

دختر قشنگ

۲-۷ حالت در ضمیر

ضمایر شخصی آزاد در این گویش حالات مختلفی را با صورتهای متفاوت بیان می‌کنند:

فاعلی		مفعولی	
men	من	men-e	مرا، به من
to	تو	te-re	تو را، به تو
un/on	او	un-e/ve-re	او را، به او
amâ	ما	amâ-re	ما را، به ما
šomâ	شما	šomâ-re	شما را، به شما
u-šon	آنها	u-šon-e	آنها را، به آنها

ملکی و مفعول حرف اضافه

me	مال من
te	مال تو
un-e/ve	مال او
ame	مال ما
šeme	مال شما
u-šon-e	مال آنها

۸ فارسی امروز

حالت در فارسی امروز بسیار ساده شده است، به طوری که قید و مفعول حرف اضافه‌ای به کمک حروف اضافه پیشین ساخته می‌شوند؛ فاعل با نشانه صریح ϕ - ساخته می‌شود؛ مفعول بی‌واسطه به کمک حرف اضافه پسین $\hat{a}(r)$ ؛ ندا با کمک پسوند \hat{a} - و ترکیبات اضافی و توصیفی با نشانه اضافه e - بیان می‌گردند. از طرفی ضمیر در حالات مختلف صورتهای متنوع ندارد:

<u>mard-ϕ</u> âmad.	مرد آمد.
فاعل، مفرد، صریح	
<u>mard-râ</u> didam.	مرد را دیدم.
مفعول، مفرد، غیرصریح	
<u>xodâ-yâ</u>	ای خدا
منادا، مفرد، غیرصریح	
<u>dast-e</u> mâdar	دست مادر
مضاف، مفرد، غیرصریح	
<u>mard-e</u> xub	مرد خوب
موصوف، مفرد، غیرصریح	
<u>man</u> âmadam.	من آمدم.
فاعل، مفرد، صریح	
<u>ma(n)-râ</u> did.	مرا دید.
مفعول، مفرد، غیرصریح	

نتیجه‌گیری

در حالی که فارسی باستان دارای ۸ حالت برای اسم و ضمیر بوده است، فارسی میانه حالت را به دو نوع صریح و غیرصریح تقلیل داده است. گویشهای امروز ایرانی، گروهی مقولهٔ حالت را به کمک جنس یا شمار می‌سازند (رک. سمنانی، تالشی اسالم، کردی مهاباد) و گروهی برای ساخت حالت از مقولهٔ جنس یا شمار استفاده نمی‌کنند (رک. املشی و کلاردشتی).

فارسی امروز علاوه بر استفاده از حروف اضافهٔ پیشین، حالت صریح را برای فاعل به کار می‌گیرد که نشانهٔ آن ϕ - است و حالت غیرصریح را به کمک \hat{a} (r) برای حالت مفعولی، e- را برای ترکیبات اضافی و توصیفی و \hat{a} - را برای اسم منادا به کار می‌برد.

کتابنامه

- آموزگار، ژاله و احمد نفضلی، ۱۳۷۳. زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن. انتشارات معین، تهران.
پناهی سمنانی، احمد، ۱۳۷۴. آداب و رسوم مردم سمنان. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

- جلالی امام، سیده‌لعیا، ۸۰-۱۳۷۹. بررسی گویش املشی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تحصیلات تکمیلی تهران مرکزی (چاپ نشده).
- کلباسی، ایران، ۱۳۶۲. گویش کردی مهاباد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- کلباسی، ایران، ۱۳۶۷. «ارگتیو در زبانها و گویشهای ایرانی»، مجله زبان‌شناسی، س ۵، ش ۲، ص ۸۷-۷۰.
- کلباسی، ایران، ۱۳۷۶. گویش کلاردشت (رودبارک). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- ناتل‌خانلری، پرویز، ۱۳۵۰. تاریخ زبان فارسی. ج ۱، ج ۳، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- ویندفور، گرنوت، ۱۳۸۳. «حالت در زبانهای ایرانی» ترجمه اسفندیار طاهری، نامه پارسی، س ۹، ش ۱، ص ۵۵-۲۷.

Yarshater, Ehsan, 1996. "The Taleshi of Asâlem", *Studia Iranica*, Paris, Tome 25, fascicule I, pp. 83-113.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

